

آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی و اقتصادی

مهرعلی لطفی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده:

آسیب‌شناسی مربوط به شناخت و بررسی تغییرات غیرطبیعی همچنین فرایند و علل زمینه‌ساز بیماری است. هدف از آسیب‌شناسی علاوه بر، شناخت بیماری، پیشگیری یا درمان از بیماری به منظور تضمین پویایی و سلامت است. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، رویکردی واقع‌بینانه به فرایند انقلابی است که با بازخوانی روند انقلاب و آسیب‌هایی که تا کنون آن را تهدید کرده می‌باشد. این مقاله دومین قسمت از مجموعه بحث‌های آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی است که با نگاهی به تحولات و حوادث پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بررسی برخی از آسیب‌ها در عرصه سیاسی و اقتصادی خواهد پرداخت.

کلید واژه: انقلاب اسلامی. آسیب‌شناسی سیاسی. آسیب‌شناسی اقتصادی.

مقدمه:

انقلاب‌ها و نهضت‌ها، مانند دیگر پدیده‌های عالم در معرض آفات و آسیب هستند؛ انقلاب‌های تاریخ بشریت نیز، خواه دینی و مذهبی یا دینی و مردمی، در جهان از خطر مصون نیستند و همواره از درون و بیرون با درگیرها و خطراتی روبرو هستند این گونه خطرات همیشه مشخص و شناخته شده نیست، بلکه در بسیاری از موارد هم پنهان و به صورت پیچیده و حتی با چهره‌های مختلف و گوناگون، و در لباس به ظاهر حق و انقلابی جلوه گر می‌شوند و رنگ عوض می‌کنند که حتی افراد آگاه و زیرک هم نتوانند بشناسند.

رفتار این گونه افراد، چنان انقلابی و دل‌پسند است که حتی ممکن است با نفوذ در پست‌های کلیدی کشور و ارگان‌های انقلابی، مسیر انقلاب را عوض کنند. چنانچه این آفات به موقع مورد شناسایی و دفع نشوند ممکن است انقلاب را از بین ببرند و یا حداقل انقلاب را از رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش باز دارند.

انقلاب اسلامی ایران، همانند سایر پدیده‌های اجتماعی و انقلاب‌ها با خطرات و آسیب‌هایی روبرو است که آن را تهدید می‌نماید و مانع به ثمر رسیدن اهداف و آرمان‌های آن می‌شود؛ آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، به دنبال شناسایی آن دسته از انحرافات، تحریفات و موانعی است که می‌تواند انقلاب را در دستیابی به آرمان‌ها و اهداف آن، امری ناممکن یا مشکل ساز نماید. در این مقاله، با نگاه به حوادث بعد از انقلاب اسلامی، نمونه‌هایی از آسیب‌ها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌شود.

۱- خستگی نیروهای انقلابی؛

در هر انقلابی، نیروهای انقلابی باید بدون خستگی و با نشاط کامل، برای رسیدن به آرمان و اهداف اصلی انقلاب تلاش نمایند و رسیدن به بعضی از اهداف اولیه مانند حکومت و...، آنان را از هدف اصلی باز ندارد. از این رو، تلاش برای ادامه انقلاب تا رسیدن به کلیه اهدافش به عنوان یک اصل، هیچ‌گاه نباید از ذهن و فکر انقلابیون دور شود.

به هر حال، خستگی و سست شدن نیروهای انقلاب و مردم از ادامه راه انقلاب، ممکن است به دلایل متعددی از جمله رفاه‌طلبی، دنیاطلبی، زندگی تجملاتی عناصر انقلابی و برخورد با مشکلات در ادامه راه حاصل شود، خطرات جدی علیه انقلاب اسلامی ایجاد می‌نماید و آسیب‌های زیادی را به انقلاب وارد می‌سازد که جبران آن‌ها مشکل خواهد شد.

امام خمینی (ره) نکات مهم و قابل توجهی، نسبت به پشتیبانی و نقش مردم در انقلاب اسلامی، بیان نمودند؛ «تا وقتی حکومت ما بتواند این حالت مردمی خودش را حفظ کند و مسئولین همان‌طور که در حال حاضر در اغلب موارد مشاهده می‌شود مردمی باشند، از حمایت مردم

برخوردارند و با پشتیبانی مردم هیچ آسیبی به انقلاب نمی‌رسد.» (۲۶)

شایان ذکر است بنا بر اسناد و شواهد معتبر؛ اکثر نهضت‌های صد ساله اخیر به سبب خستگی و ناامیدی نیروهای انقلابی به ثمر نرسیدند؛ به‌عنوان مثال در نهضت مشروطه، پس از پیروزی به خاطر کنار رفتن رهبران نهضت و نیروهای مردمی و جایگزینی افراد وابسته به استبداد داخلی و استعمار خارجی، این نهضت به انحراف و شکست انجامید و در انقلاب ۱۹۲۰ عراق نیز، این ماجرا تکرار شد. همچنین در نهضت ملی شدن صنعت نفت، پس از کنار رفتن رهبران مذهبی و تکیه رهبران ملی به افراد غیر قابل اعتماد مردم در ارکان قدرت، سبب ناامیدی مردم، قبل از شکست از درون متلاشی شده و پشتیبانی مردمی خود را از دست داده بود و متأسفانه این نهضت با تلاش همان افراد غیر قابل اعتماد مردم و با کودتایی ساده به شکست انجامید. (۲۷)

بنابراین می‌توان گفت، مشارکت و حضور گسترده مردم در صحنه‌های انقلاب از عوامل مهم و تعیین‌کننده پیروزی آن به شمار می‌آید. شایان ذکر است، علی‌رغم حضور و نقش گسترده مردم در پیروزی انقلاب‌های معاصر، بعد از پیروزی از حضور و نقش مردم در انقلاب کاسته شده و نظام انقلابی نیز به دیکتاتوری فردی و... گردیدند؛ ولی در فرآیند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به نفوذ معنوی و قدرت تأثیر گذاری امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب، تمام تلاش و همت ایشان در ضمن ارشاد و آگاهی مردم مبنی بر حضور و نقش آن‌ها در پیروزی و تداوم انقلاب، به دنبال نهادینه کردن نقش و حضور مردم در حفظ و حراست از انقلاب اسلامی بوده است، این امر بر کسی پوشیده و قابل انکار نمی‌باشد.

از این رو می‌توان گفت، هر تلاشی که از سوی هر کس موجب کم‌رنگ شدن حضور و مشارکت مردم انقلابی و مسلمانان ایران در صحنه‌های انقلاب شود، آسیب جدی بر انقلاب وارد خواهد نمود که جبران آن مشکل یا حتی غیرممکن خواهد بود. در این صورت، مسئولین ارشد نظام باید تدابیر لازم و برنامه‌ریزی مناسب را جهت مقابله با این وضعیت و رفع آن به عمل آورند.

۲- تفرقه و کشمکش میان نیروهای انقلابی و اقشار اجتماعی؛

مهمترین عامل تهدیدکننده بالندگی یک ملت، کینه و نفاق، دوری از محبت، پراکندگی و تفرقه از همدیگر می‌باشد؛ عامل اساسی و زیر بنای تشکیل یک جامعه یا امت، دارا بودن وحدت و یکپارچگی است. حضرت علی (ع) نیز، رمز و راز حفظ و تداوم یک حکومت را دوری از تفرقه و نفاق، و تحکیم ارکان حکومت را، ترغیب مودت و محبت معرفی و نسبت به آن توصیه می‌نماید؛ همچنین عامل شکست و فروپاشی حکومت‌ها را تفرقه، پراکندگی و کشمکش نیروها می‌داند. (۲۸)

معمار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این زمینه، نکات اساسی و قابل توجهی را بیان نمودند؛

«... بی تردید رمز تداوم انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و اجتماع ملت در سراسر کشور و با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می‌باشد.»^(۲۹)

مقام معظم رهبری نیز، در این زمینه نکته مهمی را اشاره نمودند؛ «برای یک ملت، هیچ عاملی مضرتر از اختلاف و تفرقه نیست، سم مهلک برای ملت‌ها و تمدن‌ها و انقلاب‌ها، اختلاف است.»^(۳۰)

بنابراین می‌توان گفت، یکپارچگی و وحدت کلمه در ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی، به عنوان رمز و راز تداوم انقلاب، شکاف و تفرقه (که تلاش دشمن سعی در ایجاد اختلاف و نفاق بین نیروهای انقلاب می‌باشد) از جمله آسیب‌های خطرناکی است که انقلاب اسلامی را به‌طور جدی تهدید می‌نماید.

از این رو، مدیران ارشد و مسئولین نظام اسلامی باید تمام تلاش و تدابیر لازم را در جهت جلوگیری از تفرقه و کشمکش میان نیروهای انقلابی و اقشار اجتماعی کشور به عمل آورند و برنامه‌ریزی مناسب و تلاش جدی را به منظور ایجاد اتحاد میان نیروهای انقلابی و اقشار اجتماعی کشور بر محور مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی تنظیم نموده و اقدام نمایند.

۳- شکاف میان نسل‌های انقلاب؛

عدم ارتباط میان نسل گذشته و حال با نسل آینده، موجبات بروز بحران و مشکلاتی برای جامعه می‌گردد؛ و مسأله فاصله ارتباط و درک متقابل میان نسل‌ها از جمله این مشکلات است. یکی از مهمترین مراحل انقلاب، انتقال مفاهیم اصیل و اولیه به نسل‌های آینده انقلاب می‌باشد. شایان ذکر است، برای تحقق انقلاب بزرگی همچون انقلاب اسلامی با توجه به تلاش طاقت‌فرسا و رنج و سختی‌های انقلابیون از جمله زندان، تبعید، معلولیت و ایثار جان؛ زمینه‌ها و شرایط تحقق انقلاب را به وجود آورده و به پیروزی رسانده‌اند؛ حال انتقال مفاهیم، ارزش‌ها، آرمان و اهداف انقلاب اسلامی به نسل آینده که تداوم انقلاب بر عهده آنان است، امری بسیار مهم و اساسی می‌باشد.

در این صورت، اگر نسل انقلاب نتواند آرمان‌ها، اهداف و اندیشه‌های انقلابی خود را به نسل بعد از خود، که تصویر روشنی از حوادث قبل و بعد از دوران انقلاب را ندارند، منتقل کند؛ با بحران فاصله ارتباط و درک متقابل میان نسل‌ها مواجه می‌شوند. در این برهه از زمان، دشمن می‌تواند با بهره‌گیری از وجود مشکلات ناشی از عدم تصویر روشن از حوادث قبل و بعد از دوران انقلاب، نسل گذشته انقلابی و نسل کنونی را در مقابل یکدیگر قرار دهد.

بنابراین، با وجود ضعف ایجاد ارتباط منطقی و اصولی نسل انقلاب با نسل آینده، از جمله خطرات و آسیبی محسوب می‌شود که تداوم انقلاب را به‌طور جدی تهدید می‌نماید. در این

صورت، مدیران ارشد و نخبگان نظام اسلامی باید تدابیر لازم و برنامه‌ریزی متناسب با اهداف و آرمان انقلاب اسلامی را تنظیم نموده و با منطق روشن به نسل کنونی و آینده همراه با درک متقابل به آنها منتقل نمایند و از این طریق تداوم و آینده انقلاب را تضمین نمایند.

۴- عدم تحقق عدالت اجتماعی؛

عدالت، سرچشمه همه نیکی‌ها، ارزش‌ها و زمینه تحقق اهداف متعالی زندگی بشری است و به‌عنوان یکی از محوری‌ترین اصول حیات بشر محسوب می‌شود. جامعه انسانی هنگامی به حیات مطلوب خود می‌رسد، که عدالت اجتماعی در آن جامعه تحقق یابد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید؛ «ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند.»^(۳۱) در اینجا خداوند، تحقق حیات طیبه و فلسفه بعثت انبیاء را زمینه‌سازی برای اجرای عدالت برمی‌شمارد.

حضرت علی(ع) نیز، فلسفه وجودی و علت غایی حکومت اسلامی را عدالت می‌داند و می‌فرماید، تنها در سایه عدالت است که تعادل و آرامش بر جامعه حاکم شده و زمینه‌های رشد و تکامل معنوی و اساسی آدمی را فراهم می‌آورد. مولای متقیان عدالت را بزرگراه تشبیه می‌نمایند و اعتقاد دارند که سعادت انسان در این راه تحقق می‌یابد و در این زمینه می‌فرماید؛ «عدالت، بزرگ راهی مطمئن، قانون عام و جهان شمول است که آدمیان برای رسیدن به سعادت، باید از این بزرگراه عبور نمایند.»^(۳۲)

مقام معظم رهبری در زمینه محاسن و مزایای عدالت اجتماعی، نکات قابل توجهی را بیان نمودند؛ «عدالت اجتماعی به مفهوم آن است که نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم از امتیازات و خیرات نظام اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد.»^(۳۳)

بنابراین، با توجه به نکات پیش گفته می‌توان گفت، عدالت اجتماعی یکی از مهمترین اهداف و آرمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و هر مسایلی که مانع تحقق آن شود، آسیبی جدی و اساسی به انقلاب اسلامی می‌رساند و تداوم آن را به خطر می‌اندازد. از این رو، از جمله وظایف مهم مدیران ارشد نظام اسلامی این است که بر اساس اهداف و آرمان انقلاب، برنامه‌ریزی مناسب و تدابیر لازم را در جهت رفع موانع و عوامل عدم تحقق عدالت اجتماعی به عمل آورند و زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی را فراهم آورند.

۵- عدم تبدیل ابزار خشونت انقلابی به ابزار قانونی در دوران ثبات انقلاب؛

هر انقلابی دارای آرمان و ابزار می‌باشد که در هر مرحله از فرآیند انقلاب، ابزار متناسب به خود را می‌طلبد. انقلاب‌های تاریخ بشریت، غالباً دارای چهار مرحله؛ تدوین، تخریب، تثبیت و

ثبات هستند. (۳۴)

در مرحله تدوین، چارچوب نظری انقلاب بر اساس آرمان آن ترسیم می‌شود و ابزار تحقق آرمان انقلاب در این مرحله، نظریه‌پردازی و چارچوب فکری آن می‌باشد. اما در مراحل تخریب و تثبیت انقلاب نیاز به ابزار خشونت انقلابی است، پس در این مراحل از انقلاب یعنی تخریب نظام سیاسی حاکم و پیروزی انقلاب و تثبیت آن نیاز به ابزار خشونت انقلابی به منظور تحقق آرمان انقلاب می‌باشد.

اما در مرحله ثبات و گذر از پیروزی و تثبیت انقلاب، جهت تحقق آرمان آن، نیاز به ابزار قانون است یعنی جهت نهادینه شدن آرمان انقلاب در مرحله ثبات، نیاز به ابزار قانون می‌باشد. پس برای عبور از خشونت انقلابی و تبدیل آن به ابزار قانونی در مرحله ثبات انقلاب، رفتار عقلایی مبتنی بر قانون اساسی انقلاب جهت نهادینه شدن آرمان آن امری لازم و ضروری می‌باشد. زیرا در این مرحله از انقلاب، به سبب پشت سر گذراندن خطرات ناشی از انقلاب و وجود امنیت و آرامش نسبی، با حاکمیت ابزار قانون همه افراد جامعه، در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار می‌شوند؛ و اجرای قانون در این مرحله، بر اساس ضوابط و آرمان انقلاب همان نوید همه انبیا و اولیای الهی یعنی تحقق عدالت اجتماعی و سبب ایجاد امید و رضایت‌مندی آحاد مردم می‌گردد.

بنابراین، در مرحله ثبات انقلاب به واسطه وجود امنیت و آرامش نسبی در کشور، باید ابزار خشونت انقلابی، جهت نهادینه شدن آرمان انقلاب به ابزار قانونی تبدیل شود؛ زیرا در صورت عدم تحقق آن ممکن است افراد فرصت‌طلب با نفوذ و حضور در کرسی‌های قدرت و تحریک احساسات و موج انقلابی مردم و با سوءاستفاده از ابزار خشونت انقلابی، روند انقلاب را در جهت منافع شخصی یا گروهی تبدیل نمایند. در این صورت، با وجود چنین وضعیتی آرمان انقلاب اسلامی به‌طور جدی مورد تهدید قرار گرفته و آثار تخریبی آن نیز، در زمان کوتاه و به راحتی قابل جبران نخواهد بود. از این رو در این برهه از زمان، مدیران ارشد نظام اسلامی باید برنامه‌ریزی مناسب، تدابیر و هوشیاری لازم را در جهت مقابله و جلوگیری از آن به عمل آورند.

شایان ذکر است، علاوه بر آسیب‌های ذکر شده، آسیب‌های سیاسی اجتماعی دیگری است که مهمترین آن‌ها به شرح ذیل اشاره می‌شود؛

- ۱- ابهام در طرح‌های کلی و جزئی آینده انقلاب اسلامی. ۲- انزوای نیروهای اصیل انقلاب و به حاشیه راندن آن‌ها. ۳- نزاع و کشمکش جناح‌های سیاسی علیه یکدیگر. ۴- بی‌انگیزگی و کم‌رنک شدن مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی اجتماعی. ۵- عدم محوریت منافع ملی و ترجیح منافع فردی و جناحی بر آن. ۶- بروز چالش‌ها و ابهاماتی در سیاست داخلی و خارجی کشور. ۷- فاصله گرفتن از آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی. ۸- تک‌بعدی‌نگری به یکی از قوای سه‌گانه نظام اسلامی در هر زمان. ۹- یک‌جانبه‌نگری نسبت به ارکان انقلاب اسلامی

اسلامیت و جمهوریت) در هر زمان. ۱۰- سلب اعتماد مردم و اکتفا به برخی از احساسات و شعائر. ۱۱- طرد نیروهای اصیل انقلاب و جذب افراد فرصت طلب به بهانه‌ها و توجیهات بی اساس ۱۲- کم توجهی و انحراف از اصل امر به معروف و نهی از منکر (اصل نظارت همگانی). ۱۳- اختلاف و جدایی میان نیروهای انقلابی و درگیر شدن آنان در اختلافات داخلی. ۱۴- بازگشت استعمار نو به شیوه‌های آشکار و پنهان.

در انتهای این گفتار می‌توان گفت، انقلاب اسلامی ایران، با عبور معجزه آسا از ورای همه معادلات جهانی آن روزگار، تحولی بنیادین و ساختاری در عرصه‌های مختلف زندگی مردم ایران، از جمله؛ در صحنه سیاست، با سرنگونی نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و در پی آن نظامی نوین و بی سابقه در تاریخ تفکر شیعه و ایران، با حاکمیت دینی و همراه با حضور مردم، یعنی نظام جمهوری اسلامی را تشکیل داده است. بدون تردید، این نظام مردمی بر پایه قوانین اسلامی، یکی از بزرگترین حوادث تاریخ معاصر جهان و ایران محسوب می‌شود، در قالب سیستمی نوین، الگوی جدیدی را به جهانیان عرضه کرده است.

به هر حال، برای حفظ و بالندگی انقلاب اسلامی، [که به تعبیر تحلیل‌گران انقلاب، یکی از مهمترین فرازهای تاریخ اسلام و ایران، و شکفت‌انگیزترین پدیده دنیای معاصر محسوب می‌شود.] راه کار اساسی مقابله با انحرافات، خطرات، تهدیدات و آسیب‌های سیاسی اجتماعی این انقلاب؛ خردورزی و ایمان دینی همراه با عدالت اجتماعی به عنوان هدف؛ تحقیق و تشخیص آسیب‌ها همراه با برنامه‌ریزی، مدیریت کارآمد و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، مناسب‌ترین راه کار برای حفظ و حراست از اصول و آرمان انقلاب می‌باشد.

گفتار سوم؛ آسیب‌های اقتصادی انقلاب اسلامی؛

انقلاب اسلامی از جمله محدود پدیده‌های اجتماعی و تحولاتی است که بر محوریت اقتصاد به وجود نیامده است، اما رفع مسایل و مشکلات اساسی اقتصادی مردم و رفع تبعیض‌های اقتصادی متأثر از رژیم پهلوی و برقراری نظام اقتصادی عادلانه مبتنی بر قوانین اسلامی، یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. از این رو، طرح آرمان‌های اقتصادی عادلانه در سیستم اقتصادی نظام اسلامی، به عنوان محور تلاش‌های اقتصادی کارگزاران انقلاب، در جهت رسیدن به آن آرمان، تلاش جدی و همت والای آن‌ها قرار گرفته است. اما متأسفانه این دغدغه اقتصادی، هنوز مسأله‌ای است که به‌طور جدی، چارچوب و برنامه‌های مدون آن، روشن مشخص نشده است.

به هر حال، آن چه که مانع تحقق نظام اقتصادی عادلانه انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، به عنوان موانع و خطراتی است که در پیش روی نظام اقتصادی کشور قرار دارد، و در این قسمت از بحث، به برخی از مهمترین آسیب‌های اقتصادی انقلاب اشاره می‌شود؛

۱- تجمل گرایی و گرایش به ارزش های دنیوی؛

زندگی تجملاتی و تأکید بر ارزش های دنیوی از جمله آسیب های بسیار خطرناکی است که آرمان انقلاب اسلامی را به طور جدی تهدید نموده و ممکن است آن را به انحراف بکشاند. تکیه بر ارزش های دنیوی و تجمل گرایی دارای ویژگی هایی نظیر؛ رفاه طلبی، بی توجهی به وضع معیشتی فقرا، زراندوزی، و داشتن روحیه کاخ نشینی و سازوکار با کاخ نشینان می باشد که سبب در فشار روحی قرار گرفتن اقشار کم درآمد و تضعیف امید برای ادامه زندگی آنان می شود. حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید؛ «رهبران باید به گونه ای زندگی شان را سامان دهند تا فشار اقتصادی بر طبقات ضعیف قابل تحمل باشد.»^(۳۵) توصیه و تأکید حضرت امیر(ع) به رهبران جامعه اسلامی مبنی بر زندگی عاری از تجمل گرایی، در جهت همراهی زمامداران با اقشار کم درآمد و تدبیر امور برای ایجاد جامعه ای سالم می باشد. زیرا این نوع روش زندگی رهبران، ابتدا سبب کاهش فشار روحی و روانی افراد کم درآمد جامعه و به دنبال آن ایجاد امید برای ادامه زندگی به منظور خروج از این وضعیت اقتصادی می شود.

امام خمینی (ره) نیز در سفارش به عموم مردم، نسبت به انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس، نکات قابل توجهی را بیان نمودند؛ «... توجه داشته باشند که رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس کرده، در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه داران و زمین خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات؛ که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی توانند بفهمند... به آنان خصوصاً "مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم هستند، و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاری آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز، مرهون خدمت آنان است، فروگذاری نکنید.»^(۳۶)

بنابراین می توان گفت، تجمل گرایی و تکیه به ارزش های دنیوی یکی از مهمترین آسیب های انقلاب اسلامی است که منجر به رفاه طلبی، زراندوزی، فاصله طبقاتی و... جامعه می شود و این مسأله نیز، به طور جدی آرمان انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار داده و ادامه این روند، سبب از دست دادن پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی و انحراف از اهداف و آرمان آن می شود. از این رو وظیفه و مسئولیت اعتقادی و انقلابی مدیران ارشد نظام اسلامی، این است که تدابیر و برنامه ریزی لازم را در جهت مقابله با این وضعیت به عمل آورده و راهکار تحکیم و تداوم انقلاب اسلامی را ترسیم نمایند.

۲- عدم تمدن سازی اقتصادی و توقف در عرصه سیاسی و اجتماعی؛

هر انقلابی بعد از مرحله تثبیت، باید به دنبال ثبات و تداوم خود باشد؛ در این مرحله از انقلاب

رهبران و نظریه‌پردازان اقتصادی، با ایده پردازی اقتصادی زمینه تمدن‌سازی انقلاب را فراهم آوردند.^(۳۷) یعنی یک انقلاب، بعد از گذر از مرحله سیاسی و اجتماعی و رساندن پیام و آثار آن در محافل داخلی و بین‌المللی، برای ماندگاری و تداوم خود، باید به دنبال آن نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی اقتصادی انقلاب را فراهم نمایند. همانگونه در انقلاب فرانسه، بعد از انعکاس پیام سیاسی و اجتماعی خود در محافل داخلی و بین‌المللی، اقدام به نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی اقتصادی و فرهنگی نموده و زمینه ماندگاری آن را فراهم نموده است.

اما در انقلاب روسیه، بعد از انعکاس پیام سیاسی و اجتماعی آن در محافل داخلی و بین‌المللی، در این عرصه متوقف شده، یا به آن اکتفا نموده است و در عرصه نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی اقتصادی و فرهنگی نیز، اقدامی صورت نگرفته و یا موفق نبوده است. به همین سبب، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بعد از هفتاد سال از عمر آن، به شکست و فروپاشی انجامید و نهایتاً "به موزه تاریخ سپرده شده و فقط نامی از آن به جای مانده است.

بنابراین، اگر انقلاب اسلامی ایران می‌خواهد بماند و تداوم داشته باشد، باید بعد از انعکاس پیام سیاسی و اجتماعی خود در محافل داخلی و بین‌المللی، به دنبال نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی اقتصادی باشند. اما متأسفانه در جامعه کنونی، قریب به سی سال از انقلاب، هنوز چارچوب و برنامه‌های مدون اقتصادی آن روشن و مشخص نشده است و به عنوان یکی از خلأ و خطرات بعد از انقلاب محسوب می‌شود که مورد غفلت قرار گرفته و انقلاب اسلامی را به طور جدی تهدید می‌نماید.

از این رو، انتظار می‌رود که رهبران و مدیران ارشد نظام به دنبال نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی اقتصادی باشند و تدابیر لازم و برنامه‌ریزی مناسب را، جهت عبور از این تهدید و خطر جدی به عمل آورده و نهایتاً "این نقیصه تداوم انقلاب را برطرف نمایند.

۳- اشرافی‌گرایی و اشتغال به زینت‌های دنیوی؛

زندگی اشرافی‌گرایی انقلابیون نظیر؛ دنیاطلبی، زراندوزی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و... از جمله فساد بسیار خطرناکی است که اهداف و آرمان انقلاب اسلامی را به طور جدی تهدید نموده و پایه‌های آن را سست و متزلزل می‌نماید. مقام معظم رهبری در این زمینه نکته مهم و قابل توجهی را بیان نمودند؛ «امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی‌گرایی می‌رود، بلا شک این انحراف است.»^(۳۸) و ایشان در جای دیگری نکات مهم و اساسی را بیان نمودند؛ «... نفوذ فساد...، دنیاطلبی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و... در میان عناصر انقلابی نشانه‌هایی از تأثیر ارتجاع و عقب‌گرد است...»^(۳۹).

بنابراین می‌توان گفت، نفوذ فساد، زندگی اشرافی‌گرایی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت‌طلبی در جامعه سبب غفلت از ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی و بازگشت به

فرهنگ اقتصادی رژیم پهلوی با مصادیق آن می‌شود؛ در این صورت، از انقلاب چیزی جز پوسته‌ای بدون محتوا و انحراف از آرمان و اهداف آن به جای نمی‌ماند. از این رو، وظیفه رهبران و مدیران ارشد نظام این است که تدابیر لازم و برنامه‌ریزی مناسب را در جهت حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و مقابله با چنین تهدیدات و خطرات، تلاش جدی را به عمل آورند.

۴- پیدایش ثروت‌های باد آورده و افزایش فاصله طبقاتی؛

هر انقلابی در فرایند شکل‌گیری، تحقق و تثبیت خود و برای رسیدن به آرمان آن، نیاز به خشونت انقلابی دارد. اما بعد از گذر از این دوران و رسیدن به ثبات انقلاب، به منظور نهادینه شدن و تحقق آرمان انقلاب نیاز به تبدیل ابزار خشونت انقلابی به ابزار قانونی می‌باشد.^(۴۰) زیرا در غیر این صورت، عده‌ای از افراد سودجو و به ظاهر انقلابی، با نفوذ به مراکز اطلاع‌رسانی اقتصادی و توزیع ثروت کشور و بهره‌گیری از نیروهای نفوذی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی نظام، اطلاعات و اخبار و شرایط موجود کشور؛ با تلاشی اندک و در کمترین زمان به درآمدی بادآورده و ثروت‌های نامشروع دسترسی پیدا می‌کنند.

مقام معظم رهبری در این زمینه نکات مهم و قابل توجهی را بیان نمودند؛ «کسانی که با ثروت‌های عمومی بازی می‌کنند و برای دست انداختن به درآمدهای ناپاک و نامشروع هیچ حدی را قائل نیستند، تلاش می‌کنند تا با تکیه بر ارتباطات، انتصاب‌ها، زرنگی‌ها و مشرف بر مراکز ثروت، یک طبقه ممتاز بی‌درد جدید را از درون جمهوری اسلامی به وجود آورند.»^(۴۱) شایان ذکر است، این افراد با توجه به کمترین زمان و تلاش اندک، با دسترسی به چنین سرمایه بادآورده‌ای، یک طبقه نوکیسه و بی‌درد جدیدی، در درون نظام جمهوری اسلامی به وجود آورده و بدون کمترین پای‌بندی به آرمان انقلاب اسلامی، با اقدامات خود سبب افزایش فاصله طبقاتی و نارضایتی مردم و سلب اعتماد آنان را از انقلاب فراهم نموده و نهایتاً موجب سستی و تزلزل پایه‌ها و اصول انقلاب را فراهم می‌آورند.

از این رو، مسئولین ارشد نظام اسلامی باید تدابیر لازم و برنامه‌ریزی مناسب، جهت جلوگیری و مقابله با چنین وضعیتی را فراهم نموده و راهکار مناسب برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی را ترسیم نمایند.

۵- نداشتن برنامه‌های کلان و بلندمدت اقتصادی و دچار روزمرگی شدن در برنامه‌های اقتصادی؛

هر اقتصاد سالم و توسعه‌یافته در جامعه‌ای، مبتنی بر داشتن برنامه‌های کلان و بلندمدت اقتصادی می‌باشد. در هر یک از این زمینه‌ها، باید با توجه به امکانات؛ اعم از منابع مادی، نیروی

انسانی و فرصت مقتضی (شرایط موجود) برنامه‌ریزی و سازماندهی لازم انجام گیرد. اما برای حل نیازهای ضروری و برون‌رفت از شرایط موجود، نیاز به برنامه‌ریزی و ساماندهی کوتاه‌مدت است و برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت نیز، برای حل ریشه‌ای نیاز و بحران اقتصادی جامعه صورت می‌گیرد.

بنابراین، اگر برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت جهت ساماندهی توسعه و استقلال اقتصادی کشور انجام نگیرد؛ این امر سبب می‌شود که امکانات و توانمندی کشور، بی‌آنکه راهگشای یک اقتصاد مستقل و توسعه‌یافته شود، در امور روزمره و زودگذر به کار افتد و از میان می‌رود. البته برای تحقق توسعه و استقلال اقتصادی کشور هم، نیاز به رفع نیازهای اقتصادی زودگذر و کوتاه‌مدت می‌باشد، اما تأکید و توقف بر آن، از امکانات و توانمندی‌های کشور کاسته و آسیب جدی به ایجاد اقتصاد مستقل و توسعه‌یافته وارد می‌آورد؛ و در برنامه‌های کلان و بلندمدت اقتصادی نظام اسلامی نظام اسلامی نیز، خلل و آسیب جبران‌ناپذیر وارد نموده و نهایتاً، برنامه‌های اقتصادی کشور را دچار امور روزمرگی و کوتاه‌مدت می‌نماید.

از این رو، از جمله وظایف مهم مسئولین ارشد نظام اسلامی این است که باید تدابیر لازم و برنامه‌ریزی مناسب را جهت سازماندهی یک نظام کارآمد اقتصادی با داشتن برنامه‌های کلان و بلندمدت اقتصادی همراه با ساماندهی برنامه‌های کوتاه‌مدت اقتصادی، به عمل آورده تا از خطرات و تهدیدات جدی مبتنی بر روزمرگی شدن اقتصاد کشور جلوگیری نمود.

* شایان ذکر است، علاوه بر آسیب‌های ذکر شده، آسیب‌های اقتصادی دیگری است که مهمترین آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود؛

۶- اسراف کاری و مصرف‌گرایی بی‌قید و شرط در جامعه. ۷- کم‌توجهی مدیران به وضع معاش مردم و گسترش فقر و فساد در جامعه. ۸- عدم برخورداری از دانش و تکنیک جدید در جهت عمران و آبادانی کشور. ۹- افزایش سطح انتظارات و توقعات مردم در ابعاد اقتصادی. ۱۰- وجود فاصله طبقاتی، نابرابری و تبعیض در جامعه. ۱۱- عدم عمران و آبادانی کافی در کشور و گسترش فقر و ناامیدی در جامعه. ۱۲- عدم شکوفایی استعدادها و نبوغ مردم در زمینه‌های صنعتی و علمی. ۱۳- عدم استقلال و خودکفایی اقتصادی. ۱۴- وابستگی اقتصادی به بیگانگان. ۱۵- عدم وجود عدالت در توزیع ثروت ملی و درآمد عمومی جامعه. ۱۶- عدم وجود فرهنگ کار و وجدان کاری. ۱۷- بی‌نظمی اقتصادی، مالی و وجود رانت‌گرایی اقتصادی. ۱۸- عدم توجه کافی به افشار کم درآمد در بحران‌های اقتصادی. ۱۹- جدایی مردم از طرح‌های اقتصادی دولت. ۲۰- تنظیم برنامه‌های اقتصادی بدون توجه به افشار آسیب پذیر و کم درآمد. ۲۱- عدم وجود یک نظام برنامه‌ریزی و کارآمد اقتصادی با توجه به اهداف و آرمان انقلاب اسلامی. ۲۲- عدم برنامه‌ریزی مناسب و حمایت‌های مالی دولت در ایجاد اشتغال، مسکن، تأمین اجتماعی

...

در پایان این گفتار می‌توان گفت، گرچه انقلاب اسلامی بر محوریت اقتصادی شکل نگرفته است؛ اما دغدغه‌های اقتصادی ناشی از تبعیض، فاصله طبقاتی و محرومیت به جا مانده از رژیم پهلوی، از جمله زمینه‌های مهم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. بنابراین، از دغدغه‌های مهم رهبران ارشد انقلاب بعد از پیروزی، ایجاد سیستم اقتصادی عادلانه بر اساس اهداف و آرمان انقلاب اسلامی بوده است؛ اما همواره، آسیب‌ها و موانع جدی داخلی و خارجی در پیش روی انقلاب، قرار گرفته که سعی در انحراف و تحریف اصول و آرمان انقلاب داشتند. زیرا با ایجاد چنین سیستم اقتصادی در نظام اسلامی، منافع عده کثیری را در خطر قرار داده و سبب واکنش آنها گردیده است.

به هر حال، برای رفع بی‌عدالتی‌های اقتصادی باقی مانده از زمان رژیم پهلوی، مشکلات ناشی از جنگ ۸ ساله، مدیریت ضعیف برخی از مدیران بعد از انقلاب و تحریم اقتصادی قدرت‌های استعماری؛ برخی از راهکارهای مهم و اساسی ذیل بیان می‌گردد؛ سازماندهی یک نظام برنامه‌ریز و کارآمد اقتصادی با توجه به اهداف و آرمان انقلاب اسلامی، تنظیم برنامه‌های اقتصادی مبتنی بر عدالت با توجه به وضعیت اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد، برنامه‌ریزی مناسب و حمایت‌های مالی دولت برای ایجاد اشتغال، مسکن، تأمین اجتماعی و...، مقابله با شکاف و فاصله طبقاتی و ریشه‌کنی فقر و محرومیت در جامعه، تدوین برنامه‌ها کلان و بلندمدت اقتصادی در جهت تمدن‌سازی اقتصادی، وجود برنامه‌ریزی کسب دانش و تکنولوژی جدید و پیشرفته جهت استقلال و پیشرفت صنعتی و خودکفایی اقتصادی برای جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان، همیاری اقتصادی دولت و مردم، ترویج فرهنگ اقتصادی مبتنی بر اصول اسلامی، عدالت در توزیع ثروت ملی و درآمدهای عمومی.

جمع بندی و نتیجه گیری؛

انقلاب اسلامی ایران بیش از هر چیز، یک انقلاب فرهنگی و ارزشی است؛ کار فرهنگی نیز، اساسی و زیر بنایی می‌باشد و تخریب فرهنگی هم به صورت زیربنایی انجام می‌گیرد؛ به گونه‌ای که اگر فرهنگ حاکم بر یک جامعه تغییر کند موجب تغییر کیفی در همه ابعاد زندگی، مجموعه معیارها، ارزش‌ها و افعال جامعه می‌گردد؛ زیرا خسارات ناشی از تخریب فرهنگی به سادگی قابل جبران و بازسازی نخواهد بود. بنابراین، برای آماده‌سازی فرهنگ عمومی جامعه، نیازمند کارآمدسازی نظام‌های فرهنگ ساز اجتماعی و یک سلسله اقدامات کلان و خرد در ساختار مدیریت عالی نظام است، تا به وضع مطلوب رسید. آرمان انقلاب اسلامی نیز، تحقق جامعه‌ای نمونه و دارای شاخص‌های رشد و تعالی انسانی و اسلامی است.

از جمله تلاش و دستاوردهای انقلاب اسلامی، دگرگونی نظام سیاسی و اجتماعی، عاری از ارزش‌های انسانی و اسلامی، رژیم ستمشاهی پهلوی و ایجاد نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر

ارزش‌های معنوی و هنجارهای اسلامی و ملی در ایران اسلامی بوده است. این انقلاب با پیروزی معجزه‌آسا، و گذر از همه معادلات جهانی آن روزگار، تحولی بنیادین و ساختاری در عرصه‌های مختلف زندگی مردم ایران؛ با ایجاد نظامی نوین و بی سابقه در تاریخ تفکر شیعه و ایران یعنی جمهوری اسلامی تشکیل داده است. بدون تردید، این نظام مردمی و اسلامی، یکی از بزرگترین حوادث تاریخ معاصر ایران و جهان است که در قالب سیستمی نوین، الگوی جدیدی را با حاکمیت دینی همراه با مردم به جهانیان عرضه کرده است.

شایان ذکر است انقلاب اسلامی از جمله محدود پدیده‌های اجتماعی است که بر محوریت اقتصادی شکل نگرفته است، اما دغدغه‌های اقتصادی نظیر؛ تبعیض، فاصله طبقاتی، محرومیت و... متأثر از رژیم پهلوی و برقراری نظام اقتصادی عادلانه مبتنی بر قوانین اسلامی، از جمله زمینه‌های مهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؛ با این توصیف، از جمله تلاش‌های جدی مدیران ارشد انقلاب اسلامی، طرح آرمان اقتصادی عادلانه در سیستم اقتصادی نظام اسلامی، برای رسیدن به آرمان انقلاب بوده است؛ اما همواره موانع جدی در پیش روی این انقلاب قرار گرفته، که سعی در انحراف و تحریف اصول و آرمان انقلاب اسلامی داشتند.

به هر حال، برای رفع بی‌عدالتی‌های اقتصادی باقیمانده از رژیم پهلوی، مسائل و مشکلات متأثر از جنگ ۸ ساله، مدیریت ضعیف برخی از مدیران بعد از انقلاب، تحریم‌های اقتصادی قدرت‌های استعماری و...، باید تدابیر و برنامه‌ریزی مناسب را به عمل آورد.

بنابراین، مهمترین راهکار اساسی مقابله با تهدیدات، انحرافات و آسیب‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انقلاب اسلامی را، می‌توان به شرح ذیل بیان کرد؛

- ۱- عقلانیت و ایمان دینی، همراه با عدالت اجتماعی. ۲- وجود برنامه مدون و ارائه الگوی عملی در جهت تحقق اصول و آرمان انقلاب اسلامی. ۳- توجه جدی به اخلاق، معنویات و محتوای اصیل و روح انقلاب اسلامی. ۴- تبیین و ترویج فرهنگ اصیل اسلامی، انقلابی و ملی برای نسل جوان و بیان راه‌های نفوذ عوامل بیگانه در جهت تضعیف فرهنگ و هویت جامعه.
- ۵- تدوین برنامه‌های کلان و دراز مدت برای تئوری و نظریه‌پردازی در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی در جهت تمدن‌سازی فرهنگی و اقتصادی انقلاب اسلامی. ۶- اتحاد و همبستگی امت و رهبری. ۷- تدوین نظام برنامه‌ریزی مدون و مدیریت کارآمد همراه با مشارکت مردم. ۸- وجود برنامه‌ریزی پیشرفته و مدیریت فرهنگی شایسته سالار مبتنی بر آرمان انقلاب اسلامی و پرهیز از سیاست زدگی. ۹- اتحاد و یکپارچگی در ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی. ۱۰- مشارکت و حضور آگاهانه مردم در صحنه‌های انقلاب اسلامی. ۱۱- محوریت منافع ملی بر منافع فردی و جناحی. ۱۲- حفظ ارکان انقلاب اسلامی [اسلامیت و جمهوریت]. ۱۳- وجود نهاد نظریه‌پردازی با حضور اسلام‌شناسان، صاحب نظران در علوم پیشرفته و در مسائل کشورداری و... ۱۴- تدوین و سازمان‌دهی یک نظام برنامه‌ریز و کارآمد در جهت تحقق آرمان و اهداف انقلاب

اسلامی. ۱۵- لزوم بهره‌گیری صحیح از آزادی و حاکمیت قانون در جامعه. ۱۶- سازماندهی یک نظام تعلیم و تربیت پیشرفته و کارآمد مبتنی بر اصول اسلامی و آرمان انقلاب اسلامی از جمله در عرصه خانواده، مدرسه، حوزه علمیه، دانشگاه، صدا و سیما و... ۱۷- ایجاد نظام آموزشی پیشرفته و کارآمد برای تمامی عناصر تشکیل‌دهنده نظام‌های مختلف اجرایی و... ۱۸- تشکیل نهادهای تحقیقاتی و بازرسی کارآمد برای ارزیابی نهادهای نظام جمهوری اسلامی در مراحل مختلف (پیشرفت و عدم پیشرفت). ۱۹- تدوین و سازماندهی یک نظام برنامه‌ریزی و کارآمد اقتصادی با توجه به اهداف و آرمان انقلاب اسلامی. ۲۰- تدوین و تنظیم برنامه‌های اقتصادی عادلانه با توجه به وضعیت افشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه. ۲۱- برنامه‌ریزی و حمایت‌های مالی دولت برای ایجاد اشتغال، مسکن، تأمین اجتماعی و... ۲۲- تدوین راهکار مقابله با فاصله طبقاتی، ریشه‌کنی فقر و محرومیت در جامعه. ۲۳- لزوم برنامه‌ریزی مدون و مناسب جهت کسب دانش و تکنولوژی پیشرفته و جدید برای پیشرفت صنعتی، استقلال و خود کفایی اقتصادی به منظور جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان. ۲۴- همیاری اقتصادی دولت و مردم و ترویج فرهنگ اقتصادی مبتنی بر اصول اسلامی ۲۵- عدالت در توزیع ثروت ملی، درآمد عمومی جامعه و... .

در مرحله پایانی بحث آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، می‌توان گفت که دشمنان انقلاب، ابتدا به‌طور مستقیم سعی در شکست و تضعیف انقلاب داشته‌اند؛ اما با عدم موفقیت در این مرحله، با حفظ پوسته انقلاب به دنبال تهی نمودن انقلاب از درون و محتوای اصلی آن نمودند، و در درازمدت هدفی جز انحراف انقلاب از مسیر و هدف اصلی‌اش نداشته‌اند. با این توصیف، اگر انقلابی به نظام سیاسی تبدیل گردد، خطر آسیب‌پذیری و آفت‌زدگی آن بیشتر و اجتناب‌ناپذیر می‌شود. انقلاب اسلامی ایران نیز، به نظام سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل گردیده و در عرصه داخلی دارای ثبات و در عرصه‌های جهانی حالت انقلابی خود را حفظ نموده و به پیش می‌رود؛ اما با غفلت و بی‌توجهی از آسیب‌ها و آفات آن، هر انقلابی مقتدر همانند انقلاب اسلامی را، می‌تواند به انحراف و تزلزل بکشاند.

بنابراین، از جمله وظایف اساسی و مسئولیت انقلابی، اعتقادی و ملی مسئولین کلان و خرد نظام و تک‌تک انقلابیون این است، که با هوشیاری و دقت در شناخت آسیب‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انقلاب اسلامی، تدابیر لازم و راهکار مناسب در جهت جلوگیری و مقابله آنها را فراهم آورند.

شایان ذکر است، شناخت دقیق و فراگیر آسیب‌های انقلاب اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نیاز به انجام تحقیقاتی گسترده و همه‌جانبه دارد که با توجه به فرصت کم از عهده این پژوهش خارج است؛ اما با توجه به فرصت و اقتضای بحث، اشاره‌ای در حد مقدور مجله و از باب برگ سبزی از تحفه درویش، به مهمترین آسیب‌های فرهنگی، سیاسی،

اجتماعی و اقتصادی انقلاب اسلامی شده است؛ تا به یاری خداوند و عنایت امام عصر (عج)، برای محققان و تحلیل گران انقلاب اسلامی، تلنگر و راهگشای مناسب برای تحقیقات و تألیفات ارزشمند، نسبت به یکی از بزرگترین حوادث معاصر ایران و جهان ... باشد.

در پایان از همه کسانی که نگارنده را در نگارش این مقاله یاری نمودند و همچنین عزیزانی که از محضرشان استفاده گردید، قدردانی و سپاسگذاری می‌شود. در ضمن از لطف و راهنمایی برخی از اساتید و عزیزانی که موجب ارتقای علمی این متن شده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود. همچنین از عزیزان صاحب نظر و محققان محترم، انتظار می‌رود که با دقت نظر و ارزیابی منصفانه مستمر، بنده را یاری نموده و به ارزش علمی این پژوهش بیفزایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست پی نوشت؛

- ۲۶- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجله رویداد و تحلیل، شماره ۴۵، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بی تا، ص ۱۰.
- ۲۷- اقتباس از: عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی، ۱۳۶۹، ص ۴۱۷.
- ۲۸- فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، صص ۶۴۹-۶۵۱.
- ۲۹- امام خمینی، وصیت نامه سیاسی الهی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۶- صحیفه نور، ج ۱۰، صص ۲۱۷-۲۱۶.
- ۳۰- حسینی خامنه ای، علی، حدیث ولایت، ج ۱، تهران، نشر مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰.
- ۳۱- قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.
- ۳۲- فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۳۳، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۳۳- حسینی خامنه ای، علی، روزنامه ایران، ۶/۹/۱۳۷۵.
- ۳۴- اقتباس از لطفی، مهر علی، گذری بر رویدادهای معاصر ایران و پیدایش انقلاب اسلامی، قم، انتشارات عالمه، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱.
- ۳۵- فیض الاسلام، نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۶۳، ص ۳۱۹.
- ۳۶- امام خمینی، وصیت نامه سیاسی الهی، صص ۳۱-۳۴.
- ۳۷- لطفی، مهر علی، همان، صص ۱۰۲-۱۰۱.
- ۳۸- حسینی خامنه ای، علی، حدیث ولایت، ج ۷، ص ۵۹.
- ۳۹- حسینی خامنه ای، علی، روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۱۰/۱۷.
- ۴۰- لطفی مهر علی، همان.
- ۴۱- حسینی خامنه ای، علی، روزنامه ایران ۱۳۷۶/۴/۲۶.

فهرست منابع؛

- ۱- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمندو...، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- ۲- آریانپور، عباس و منوچهر، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی-فارسی، ج ۲.
- ۳- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۷ و ۱۰، ۲۱، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۱.
- ۴- امام خمینی، وصیت نامه سیاسی الهی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۵- جمعی از نویسندگان، امروز و فردای انقلاب اسلامی ایران، تهران، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۵۹.
- ۶- حسینی خامنه ای، علی، حدیث ولایت، ج ۷، تهران، نشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶-۱۳۷۵.
- ۷- حسینی خامنه ای، علی، روزنامه ایران ۱۳۷۵/۹/۶ و ۱۳۷۶/۴/۲۶ و ۱۳۷۶/۳/۱۴.
- ۸- حسینی خامنه ای، علی، روزنامه کیهان ۱۳۷۳/۱۰/۱۷ و ۱۳۷۷/۲/۳۱.
- ۹- خراسانی، علی، تمدن و ایدئولوژی، ی تهران، بی تا، ۱۳۵۵.
- ۱۰- دهقان، حمید، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، قم، نشر مدین، ۱۳۷۶.
- ۱۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجله رویداد و تحلیل، شماره ۴۵، تهران، نشر سپاه پاسداران.
- ۱۲- شفیع فر، محمد، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم، نشر معارف، ۱۳۷۸.
- ۱۳- شورای هماهنگی تبلیغات، مجموعه مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی، تهران، شورای هماهنگی تبلیغات، ۱۳۷۸.
- ۱۴- عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، نشر کتاب، ۱۳۶۹.
- ۱۵- فراتی، عبدالوهاب، انقلاب اسلامی (چالش ها و بحران ها)، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱.
- ۱۶- فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه های ۲۵ و ۳۳ و ۱۴۶ و ۱۹۲.
- ۱۷- فیض الاسلام، نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۶۳.
- ۱۸- قرآن کریم.
- ۱۹- قاضی زاده، کاسم، اندیشه های فقهی و سیاسی امام خمینی، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۸.
- ۲۰- لطفی، مهر علی، گذری بر رویدادهای معاصر ایران و پیدایش انقلاب اسلامی، قم، نشر عالمه، ۱۳۸۱.
- ۲۱- محمدی ری شهری، محمد مهدی، رمز تداوم انقلاب در نهج البلاغه، تهران، نشر یاسر، ۱۳۶۵.
- ۲۲- مدنی، جلال الدین، تاریخ معاصر ایران، ج ۱، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۲۳- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت ها در صد ساله اخیر، تهران، نشر صدرا، ۱۳۶۷.
- ۲۴- مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادی گری، تهران، نشر صدرا، ۱۳۶۱.
- ۲۵- منصوری، جواد، جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۲۶- نصر اصفهانی، علی و محمد، بنیان های انقلاب اسلامی، اصفهان، نشر فرهنگ و مردم، ۱۳۸۰.
- ۲۷- وزارت آموزش و پرورش، تاریخ معاصر ایران، نشر وزارت آموزش و پرورش.
- ۲۸- وینگیت، پیتر، دانشنامه پزشکی، ترجمه سیمین معزی متین.